



# اسب تراوای یونانی و صهیونیستی!

مهدی میرزایی

باز نمانده و در این عرصه چهاراسبه تاخته و می تازد تا باطل را حق جلوه دهد! البته رندان جبهه حق نیز همواره در کمین بوده و هستند تا سوار بر موج تکنولوژی و هنر شوند و اجازه ندهند تکنولوژی سوار بر آنان شود. تکنولوژی آسیب‌هایی دارد که اگر تدبیری نیندیشیم، سوار بر ما می‌شود! تکنولوژی همان اسب تراوای چموش است که حتی اگر بر آن سوار شویم ولی ندانیم چگونه آن را رام کنیم چنان ما را به زمین می‌کوبد که مغزمان را متلاشی می‌کند! می‌بایست کاری کرد چون زود دیر می‌شود! قصدم این نیست که بساط تکنولوژی جمع شود. هرگز. اما این یک واقعیت است که ما در تکنولوژی هیچ استقلال نداریم و مستأجر استکبارگران هستیم! نگفتم استعمارگران. چرا؟! چون با نام استعمار آمدند و حتی در حد یک حمار برای مستضعفین ارزش قائل نشدند! واژه استعمارگر شاید برای آنان بهتر باشد چون بشریت را انسان نمی‌دانند! در کتاب تلمود

آیا داستان اسب تراوا را شنیده‌اید؟ یونانیان باستان پس از آن که نتوانستند شهر تراوا را بعد از ده سال محاصره تسخیر کنند، به یک کار شگفت‌انگیز دست زدند: اسب چوبی بسیار بزرگی ساختند و تعدادی از جنگ‌آوران خود را درون آن نهاده سپس بقیه لشکریان را به عقب کشیدند، اهالی تراوا پنداشتند یونانیان شکست‌خورده و عقب‌نشینی کرده‌اند. با این توهم اسب را با شادی و نشاط به عنوان غنیمت، به شهر خود (تراوا) آوردند، افرادی که درون آن اسب با شمشیر برهنه کمین کرده بودند شب‌هنگام بیرون جهیدند و دروازه‌های شهر را به روی لشکریان خود گشودند؛ با این نیرنگ، شهر سقوط کرد و بر آن مسلط شدند. آری! از دیرباز تاکنون هنر و تکنولوژی دو کارایی داشته نه بیش‌تر؛ زیرا در خدمت دو جریان، دو تفکر و دو مکتب بوده و خواهد بود؛ در خدمت جریان حق و باطل. جبهه طاغوت برای تزریق ایدئولوژی و باور خود از این قافله



تصریح دارند که خداوند، غیر یهودیان را چارپایان و حیواناتی قرار داده تا در خدمت یهود باشند. آری! با این نگاه تحقیرآمیز به من و شما می‌نگرند! نگرش خوشبینانه آن است که تکنولوژی آمده است تا به بشریت خدمت کند. اما با اندک کنکاشی می‌بینیم این اسب تراوا آمده تا روح و جسممان را تسخیر کند. پیاده‌نظامان این نبرد، با به تصویر کشاندن زیبارویان و سیه‌چشم‌ان، تیره‌های آغازین را از چله کمان رهانده و سیاهی چشم‌ان را هدف قرار داده‌اند! مگر در اندلس چنین نکردند؟! آن هنگام که ابلیس گفت: به عزت و جلالت سوگند، بندگان را به انحراف می‌کشانم، مگر کسانی که به درجه مخلصین رسیده باشند: قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ (ص، ۸۲-۸۳)

آه از غفلت! این دشمن قسم‌خورده، نکته‌ای کلیدی گفت اما ما به آسودگی از آن گذشتیم! گفت: از هر سو بندگان را وسوسه، و آنان را منحرف می‌کنم. تکنولوژی فقط برای پمپاژ صنعت پورنوگرافی و شهوت‌رانی در این مرز و بوم لنگر نینداخته بلکه اشاعه سکس و شهوت، نخستین گام است برای پذیرش نوعی باور، نوعی اندیشه، نوعی نگرش و نوعی جریان فکری! در یک کلام هدف نهایی شیطان، براندازی عبودیت و تزلزل در باورهای بنیادین اعتقادی جامعه است!

آری، خواهر و برادر عزیزم! بسیار سطحی‌نگری و ساده‌اندیشی است که بپنداریم موبایل و اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، تنها ابزاری برای ایجاد ارتباط است و بس! اسب تراوا نه جلوی درب منزل ما بلکه درون منزل ما زانو زده! البته تفاوتش با اسب یونانی آن است که یونانیان اسب تراوا را با هزینه خود ساخته و به آن دیار فرستادند اما دشمنان قسم‌خورده پول ساخت آن را نیز از جیب مبارک من و شما برمی‌دارند! راحت‌تر بگوییم، ما با این توهم که از تکنولوژی عقب نماییم پول‌های هنگفتی را به حلقومشان می‌ریزیم!

تردیدی نیست که این تراوا همان تراواست، با این تفاوت که یال و دم و اشکم ندارد اما چشم‌های تیزبین و شاخک‌های بسیار حساس و شامه‌ای قوی‌تر از شامه سگ دارد و خوب می‌داند به چه می‌اندیشیم و چگونه می‌اندیشیم! چه می‌خواهیم و چگونه می‌خواهیم! خوب می‌داند پاشنه آشیلمان کجاست! جل‌الخالق! این از عجایب روزگار ماست که حتی بسیاری از دیده‌بانان و جنگ‌آوران ما را مسحور کرده! چرا گفتم سحر؟! زیرا این مرزبانان به جای آن که یقه صهیونیان را بچسبند که چرا این اسب چموش را به قیمت گزاف به ما داده و دارند بی‌هویمان می‌کنند، یقه دوستان خود را پاره کرده و فریاد می‌کشند خفه شوید و به اسب تراوا چیزی نگویید! آیا این سحر نیست؟! البته گروهی از لشکریان ما نیز با رقص و ادای این اسب به خواب عمیقی فرو رفته‌اند که فعلاً با آنان سخنی نداریم.

رسانه در ایجاد انحراف اعتقادی یا در تزریق ایمان و معنویت به جامعه بسیار مؤثر است. گفتم رسانه و منظوم هر ابزاری است که بتوان به وسیله آن پیام را منتقل کرد. اکنون ماهواره و اینترنت و موبایل و شبکه‌های اجتماعی که مولود موبایل و اینترنتند، تأثیرگذارترین و دم‌دستی‌ترین رسانه‌هایی هستند که در هدایت یا شقاوت این نسل نقش ایفا می‌کنند. بی‌جهت نیست که نتایج و شیمن‌پرز دست مارکوزوکر برگ را به خاطر راه اندازی فیس‌بوک بوسه می‌زنند!

رهبران جنبش‌های شبه‌معنوی نوپدید یا عرفان‌های کاذب نیز سعی می‌کنند در این آشفته‌بازار فضای مجازی به هر قیمت، پیام خود را در قالب‌های گوناگون مانند رُمان، داستان کوتاه، انیمیشن، فیلم‌های سینمایی و غیره به سطوح مختلف جامعه منتقل کنند. ابزاری مانند اینترنت و

شبکه‌های اجتماعی، بهترین و کم‌هزینه‌ترین رسانه‌هایی هستند که علاوه بر جاسوسی، در ترویج معنویت قلابی نیز حرف اول را می‌زنند! البته قابل توجه است که سران استکبار در جای دیگر رهبران عرفان‌های کاذب را در آغوش گرفته‌اند!

در این جا به آسیب‌های ژرفی که این فرقه‌ها و جنبش‌های مدعی معنویت به جامعه تحمیل می‌کنند، کوتاه اشاره‌ای خواهیم کرد:

### آسیب‌شناسی «شبه‌معنویت‌های نوین»!

بعضی از «جنبش‌های مدعی معنویت» مانند «شیطان‌گرایان»، به علت مخالفت آشکار با ادیان و حمایت صریح از شیطان، محبوبیتی در جوامع دینی ندارند، پیروان آنان در پی معنویت نیستند و با آگاهی، به دنبال شیاطین حرکت کرده، از نور به سوی ظلمت گام می‌نهند.

اما برخی دیگر از این «فرقه‌های مدعی معنویت نوین» نقاب دین‌داری بر صورت افکنده و برای اثبات ادعای خود، گفتمانی کاملاً دینی دارند. احادیث و آیات قرآن را آن گونه که شیطان می‌خواهد تأویل و تفسیر می‌کنند!

این جاست که جریان نفاق، خود را محدود به عرصه سیاست و جنگ ندانسته بلکه از کارزار ستیز و سیاست برون آمده و پا به عرصه میانی اعتقادی موحدان می‌گذارد! دشمن قسم‌خورده سعی می‌کند با همنوا شدن با خداباوران، سهمگین‌ترین و کاری‌ترین ضربه خود را به بنیان باورهای اعتقادی دین‌باوران فرود آورد! هر چند کتاب «گفتگو با خدا» بنویسد اما در نهایت چیزی جز انکار خدا عاید انسان نمی‌شود!

خوشبینانه آن است که برخی از مروّجان آرامش و معنویت، به آن چه می‌گویند یا می‌نویسند علم و آگاهی ندارند و نمی‌دانند در چه فضایی قلم می‌زنند یا سخن می‌گویند. هدف اصلی «عرفان‌واره‌ها» ساختار شکنی اعتقادی و ستیز با «توحیدباوری»، «نبوت‌باوری» و «معبادباوری» است! ساختن بهشت زمینی، تقدیس جادوگران و مرآضان به جای پیروی از پیامبران، تقدیس شیطان به عنوان اول موحد عالم، پشیمان نشدن از گناه، ترویج پلورالیسم، ترویج معنویت سکولار، تصریح به دروغ‌گویی و نسبت دروغ دادن به خداوند، تقدس‌زدایی از مساجد و اماکن مقدس ادیان، ترویج مدیته‌شن و یوگا به جای دعا و نماز، ترویج عرفان مدرن و عرفان ایرانی به جای عرفان اسلامی و نهادینه کردن ستم‌پذیری و استکبار‌گریزی به جای استکبارستیزی!

در این جا به برخی از ادعاهای مدعیان معنویت که خود را رهبران معنوی نیز می‌خوانند اشاره می‌شود تا اهمیت انحرافی که شبکه‌های اجتماعی و دیگر رسانه‌های فضای مجازی به آن دام می‌زنند بهتر روشن شود:

### ترویج بی‌اعتقادی به خداوند

آنتوان لاوی یکی از رهبران شیطان‌گرایان می‌گوید: «تصور غلط مشهوری است که شیطان پرست به خدا معتقد نیست... آدمی همیشه خدای خود را خلق می‌کند، تا این که خدایان باشند... شیطان پرست از واژه‌هایی چون «امید» و «دعا» پرهیز می‌کند چون این‌ها نماینده «ترس» هستند!... شیطان پرست برای بخشش اعمال اشتباه خود نیز دعا نمی‌کند!...» (انجیل شیطانی، صص ۱۴ - ۱۵)

اوشو نیز می‌نویسد: خدا برای من چیزی نیست مگر شادی! پس شادمان باش و بگذار شادی‌ات، عبادت باشد! (اوشو، دل به دریا بزن، مجید پزشکی، هودین، ۱۳۷۹ ص ۴۶. نقل شده از: اوشو، حمزه شریفی دوست، ص ۱۵۰) اوشو در جای دیگر می‌نویسد: مردم نزد من می‌آیند و می‌گویند: ما آرزوی جست‌وجوی خدا را داریم، من به آن‌ها می‌گویم: در این باره با



من صحبت نکنید، این مقوله را به بحث نکشید، هرگونه صحبتی در مورد خداوند بی‌فایده است. هیچ معنا و مفهومی در آن چه می‌گویند نیست! (راز بزرگ، اوشو، روان کهریز، ص ۱۳۵)

اوشو می‌گوید: «لازم نیست از خدای خیالی که در پایان جهان از تو بازخواست می‌کند که چه کرده‌ای و چه نکرده‌ای، بترسی. او قبلا داوری کرده و تو آزاد هستی و لحظه‌ای که شخص بداند تماما آزاد است تا خودش باشد؛ زندگی پویایی آغاز می‌شود!» (شهامت، اوشو، ترجمه خدیجه تقی‌پور، تهران، نشر فردوسی، چاپ دوم ۱۳۸۰ ص ۱۲۷. نقل شده از: کاوشی در معنویت‌های نوظهور، حمزه شریفی دوست، صهبا یقین، ص ۴۰۵)

دلایی لاما نیز با دیگر رهبران عرفان‌های کاذب همنا شده و می‌نویسد: امکان دارد کسی با پذیرش خدا آرامش یابد و دیگری با انکار خدا؛ هر کسی باید به دنبال داروی مناسب خود باشد! (بیداری، دلایی لاما، ترجمه میترا کیوان مهر، صص ۷-۹. نقل شده از: کاوشی در معنویت‌های نوظهور، حمزه شریفی دوست) اوشو در جای دیگر می‌گوید: عارف در جست‌وجوی شادمانی به زندگی روی می‌آورد. او پروای خدا در سر ندارد. البته عارف در راه خود، خدا را هم می‌یابد، اما او در جست‌وجوی شادمانی است، بنابراین عرفان هیچ‌گونه مجموعه باوری در مورد بی‌خدایی یا با‌خدایی ندارد؛ عرفان بر هیچ باوری متکی نیست! (پرواز در تنهایی، اوشو، ترجمه مجید پزشکی، هودین، ۱۳۷۹ ص ۶۰. نقل شده از: اوشو، حمزه شریفی دوست، ص ۱۹)

محمدعلی طاهری عرفان سکولار را در سر می‌پروراند و می‌نویسد: داشتن ایمان و اعتقاد برای حضور در حلقه وحدت لازم نیست و تنها شرط لازم، شاهد بودن است! (انسان از منظری دیگر، محمد علی طاهری، نشر بیژن، تهران، چاپ هشتم ۱۳۸۸، ص ۱۲۶)

خدا در اندیشه فراماسونری نیز خدای عجیبی است برداشت ماسون‌ها از کلمه الله به مفهوم معمار بزرگ چیست؟! در درجه بیست و نهم لژهای ماسونری چنین بیان می‌شود؛ خداوندی که همه چیز را به وجود آورده و کائنات را احاطه نموده محققا همان انرژی است! شما به میل و اراده‌تان، روح و هوشتان یا بر اساس درک و ایمانتان می‌توانید خدا را با نام‌های طبیعت، قدر، قدرت و یا قانون بخوانید! (تاریخ تحولات سیاسی ایران، دکتر موسی نجفی، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران).

قابل توجه است که جریان فراماسونری، ریشه در استعمار انگلستان دارد. در کشورهایی مانند اسکاتلند، هلند و فرانسه، فراماسونرها لژهای وسیعی ساختند که ارتباط شدیدی با «گراند لژ لندن» داشت. قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، در کشور ما نیز لژهای فراوانی وجود داشت که معروف‌ترین آن‌ها لژ همایون و لژ مولوی بود. محمدرضا پهلوی «استاد اعظم» لژ همایونی بود! در سال ۱۳۵۱ هشت نفر از اعضای هیات وزیران از جمله هویدا نخست‌وزیر و بیست و چهار نفر از اعضای مجلس سنا، عضو لژ بزرگ ایران بودند! (تاریخ تحولات سیاسی ایران، ص ۶۱۰)

**معرفی جادوگران و مرتاضان به جای پیام‌آوران الهی!**

در جنبش‌های نوین، پیامبران الهی در زندگی معنوی بشر نقشی ندارند و نقش اصلی را «رهبران معنویت مدرن» ایفا می‌کنند و افرادی مانند «جن گیر»، «جادوگر» و «مرتاض» به جای منجی و موعود، معرفی می‌شوند!

**انکار معاد!**

در عرفان‌های کاذب، بهشت و جهنم انکار می‌شود و به جای حیات اخروی که همه پیام‌آوران الهی بر آن تکیه کرده‌اند و قرآن کریم نیز به شدت تاکید بر آن دارد، مفهومی به نام «تناسخ» جایگزین شده است! تناسخ یعنی وارد شدن روح فرد مرده به کالبد کودک تازه متولد شده و یا به جسم دیگر موجودات، حتی اشیای بی‌جان!

پال توئیچل (بنیان‌گذار اکنکار) می‌گوید: «هنگامی که مرگ بدن جسمانی فرا می‌رسد، روح معمولا تا حد این کالبد (ثیبری) عقب می‌کشد... و در انتظار می‌ماند تا وارد بدن جسمانی دیگری شده و تناسخ دیگری در روی زمین داشته باشد. و این در صورتی است که روح ملزم به بازگشت باشد. آن‌گاه او یک طفل تازه‌متولد را پیدا کرده و اگر تمام شرایط دقیقا درست باشد، وارد آن جسم فیزیکی کوچک می‌شود تا شروع به طی کردن دورهای دیگر در زمین کند!» (اکنکار کلید جهان‌های اسرار، پال توئیچل، ترجمه هوشنگ اهرپور، چاپ اول ۱۳۷۹، نگارستان کتاب، تهران، ص ۱۳۹)

«پال توئیچل» در جای دیگر می‌گوید: «۹۹۹ چرخه تجسم و حلول تناسخ در کره زمین وجود دارد...!» (واژه نامه اکنکار، پال توئیچل، یحیی فقیه، نشر سی گل، چاپ اول، ص ۶۷. نقل شده از: اکنکار، محمد حسین کیانی، صهبا یقین، ص ۸۵)

با اندک توجهی به معارف اهل بیت علیهم‌السلام ویژگی‌ها و جایگاه کسانی که باور به تناسخ دارند آشکار می‌شود. امام رضا علیه‌السلام فرمودند: کسی که تناسخ را بپذیرد و به آن عقیده داشته باشد به خدای تعالی کافر شده و بهشت و دوزخ را غیر واقعی و دروغ تلقی نموده است. **(الفصول المهمه فی اصول الائمه، شیخ حر عاملی، ج ۳)**

امام صادق علیه‌السلام فرمودند: معتقدان به تناسخ، برنامه دین را پشت سر انداخته و گمراهی‌ها را در برابر خود آراسته‌اند و در شهوات غوطه‌ورند... گویند نه بهشتی است نه دوزخی... قیامت برای آنان این‌گونه است که روح از کالبدش برآید و به کالبد دیگر درآید! (فرجام من و تو، عبدالحسین مشکاتی، صهبا یقین، ص ۱۲۸)

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: **حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا... (مؤمنون، ۹۹-۱۰۰)**

وقتی که مرگ یکی از آنان (تبهکاران) فرا رسد، گویند: خداوندا بار دیگر مرا به این جهان بازگردان تا اعمال نیک به جا آورم و گذشته را جبران کنم (در پاسخ به او گفته می‌شود) نه! هرگز (راه بازگشتی نیست) این (فقط)



بسیار سطحی‌نگری و ساده‌اندیشی است که پینداریم موبایل و اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، تنها ابزاری برای ایجاد ارتباط است و بس! اسب تراوا نه جلوی درب منزل ما بلکه درون منزل ما زانو زده! البته تفاوتش با اسب یونانی آن است که یونانیان اسب تراوا را با هزینه خود ساخته و به آن دیار فرستادند اما دشمنان قسم خورده پول ساخت آن را نیز از جیب مبارک من و شما بر می‌دارند!



سخنی است که او می‌گوید...

آنتوان لاوی، رهبر شیطان‌گرایان، می‌گوید: هیچ بهشتی در آسمان نیست و هیچ جهنمی که آدمیان در آن بسوزند وجود ندارد. همین‌جا و هم اینک رستاخیز توست! همین‌جا و هم اینک فرصت توست! هم اینک روز لذت توست! (انجیل شیطانی، ص ۱۲)

آزمندیان در کتاب تکنولوژی فکر می‌نویسد:

«هدف و رسالت ما از زندگی چیست؟... از دیدگاه ما زندگی یعنی ساختن بهشتی در این دنیا. اما این بهشت، کجاست؟ در کدام نقطه جغرافیایی جهان واقع است؟ مأموریت تو این است که بهشتی برای خود در این دنیا بسازی، بهشتی مستقل در متن این جهان و در راستای قانونمندی‌های آن... آن نقطه غایی و آن دستاورد نهایی که بازگوکننده همت بی‌وقفه تو در دستیابی به کمال است، چیزی نیست جز همان بهشتی که باید در این دنیا بسازی!» (تکنولوژی فکر ۲، آزمندیان، ص ۲۱۷)

### تقدیس شیطان به عنوان اول موحد عالم!

محمدعلی طاهری بنیان گذار عرفان حلقه (کیهانی) درباره شیطان می‌گوید: شیطان، اول موحد عالم است؛ چون به غیر خدا اصلا سجده نکرد! (کاوشی در معنویت‌های نوظهور، حمزه شریفی دوست، صهبا یقین، ص ۸۲)

آنتوان لاوی نیز انسان آرمانی را کسی می‌داند که به حکم غریزه خویش گردن نهاده است! ایشان می‌گوید: «انسان فعلیت‌یافته، شیطانی بزرگ است!» (انجیل شیطانی)

### عدم احساس پشیمانی از گناه

در عرفان‌های کاذب، پشیمانی از گناه هیچ جایگاهی ندارد. آقای آزمندیان در مباحث تکنولوژی فکر تئوری جذب را مطرح می‌کند و آن را راهی برای کسب آرامش و معنویت می‌داند و احساس پشیمانی و ندامت را اتلاف وقت برمی‌شمرد:

«آن‌ها [پیروان تکنولوژی فکر] اشتباهات خود را می‌پذیرند و هرگز خود را به خاطر آن‌ها ملامت نمی‌کنند و وقت خود را به خاطر ابراز پشیمانی و یا احساس ناراحتی از کاری که کرده‌اند تلف نمی‌کنند...!» (تکنولوژی فکر، ص ۲۴)

در سیتینسیسم نیز همین باور وجود دارد. آنتوان لاوی می‌گوید ناراحتی از اشتباه‌های گذشته جز تباه کردن لحظه نیست. شیطان پرست حس می‌کند اشتباهی مرتکب شده است و می‌داند که این کاملا طبیعی است! (انجیل شیطانی، ص ۱۵)

### ترویج پلورالیزم (تکثر گرایی دینی)

رهبران این فرقه‌ها بر این باورند که مذهب قرار است روح انسان را تغذیه کند، پس باید تنوع مذاهب را گرمی داشت. بنابراین عده‌ای ممکن است یهودیت، مسیحیت یا اسلام را برای خود مؤثر یابند. تمام این مذاهب برای بشر مفید و سودمند! (هنر شادمانگی، دالایی لاما و دکتر هوارد. بسی کاتلر، ترجمه تینا حمیدی، چاپ سوم ۱۳۸۷، تهران: سارنگ، صص ۳۱۰ - ۳۱۱)

دالایی لاما «تنزین گیاتسو» می‌گوید:

«انسان‌های بسیاری با خلق و خویهای گوناگون در دنیا وجود دارند. پنج میلیارد انسان، هر کدام مسیر ویژه‌ای را طی می‌کنند شاید ما به همین مقدار [به] مذاهب مختلف احتیاج داشته باشیم، چراکه سلاقی و ویژگی‌های انسان‌ها متفاوت است!» (هنر شادمانگی، دالایی لاما و دکتر هوارد. بسی کاتلر، ترجمه تینا حمیدی، چاپ سوم ۱۳۸۷، تهران: سارنگ، صص ۳۱۰ - ۳۱۱)

ساتیا سایی بابا پلورالیزم را این گونه ترویج می‌کند: نخستین و برترین وظیفه خود را احیای متون مقدس و تشریفات مذهبی، به علاوه درک معانی ذاتی و

باطنی آن‌ها می‌دانم... ایمان و اعتقادات افراد نباید مختل و نابود شوند، بلکه باید هر فردی در ایمان خویش راسخ و استوار گردد؛ به شکلی که مسیحی یک مسیحی بهتر و مسلمان یک مسلمان واقعی‌تر و هندو یک هندی معتقدتر شود. (تعلیمات ساتیاسای بابا، سوامی ساتیا سایی بابا «تعلیمات معنوی ۶»، ترجمه رویا مصاحبی مقدم، تهران، نشر تعلیم حق، ۱۳۸۳، ص ۱۶۹. نقل شده از: سایی بابا، محمد حسین کیانی، صهبا یقین، ص ۷۹)

ساتیا سایی بابا:

«مذاهب مختلف را پذیرا باشیم؛ بگذاریم تا مذاهب مختلف شکوفا شوند و شکوه خداوند با همه زبان‌ها و با اشکال مختلف سروده و خوانده شود!» (افکار الهی برای ۳۶۵ روز سال، سوامی ساتیا سایی بابا، ترجمه پروین بیات، تهران، نشر عصر روشن‌بینی، ۱۳۸۴، ص ۲۵. نقل شده از: سایی بابا، عبدالحسین مشکانی، صهبا یقین، ص ۳۳)

کامل‌ترین دین نزد خداوند اسلام است و تمام پیامبران بشارت به آمدن حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌دادند و خداوند خط بطلان بر

پاور پلورالیزمی می‌کشد و در مورد اهل کتاب می‌فرماید:

الَّذِينَ آمَنُوا مِنَّا هُمُ الْكُتَّابُ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ آبَاءَهُمْ وَإِنَّ فَرِيقًا مِّنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ (بقره، ۱۴۶)

کسانی که کتاب آسمانی به آنان داده‌ایم، او [= پیامبر] را همچون فرزندان خود می‌شناسند؛ (ولی) جمعی از آنان، حق را آگاهانه کتمان می‌کنند!

إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِن بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بِنِعْمَةِ رَبِّهِمْ وَمَن يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ (آل عمران، ۱۹)

دین در نزد خدا، اسلام (و تسلیم‌بودن در برابر حق) است. و کسانی که کتاب آسمانی به آنان داده شده، اختلافی (در آن) ایجاد نکردند، مگر بعد از آگاهی و علم، آن هم به خاطر ظلم و ستم در میان خود؛ و هر کس به آیات خدا کفر ورزد، (خدا به حساب او می‌رسد؛ زیرا) خداوند، سریع الحساب است.

وَمَن يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَن يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ (آل عمران، ۸۵)

و هر کس جز اسلام (و تسلیم در برابر فرمان حق) آیینی برای خود انتخاب کند، از او پذیرفته نخواهد شد؛ و او در آخرت، از زیانکاران است.

### «کارلوس کاستاندا» و توصیه به دروغ‌گویی و نسبت دادن دروغ به خداوند!

«کارلوس کاستاندا» می‌گوید: آگاهانه به خود دروغ بگوئید و علیه منفی‌ترین ویژگی‌های فکری (دروغ‌هایی) بنویسید... نخستین وظیفه در صبح و آخر شب، باید تکرار این دروغ‌ها با صدای بلند و در جلوی آینه برای خودتان باشد. اصلا مهم نیست که می‌دانید این‌ها دروغ هستند! (آموزش‌های دون خوان، ص ۴۲. نقل شده از: «عرفان سرخ پوستی، محمد حسین کیانی، صهبا یقین، ص ۲۹)

اکهارت توله توصیه می‌کند «مشکلات زندگی» وجود خارجی ندارند! ایشان می‌گوید: «من از حل مشکلات سخن نمی‌گویم، بلکه از این سخن می‌گویم که هیچ مشکلی وجود ندارد... مشکلات، ساخته و پرداخته ذهنند و برای بقای خود به زمان نیاز دارند!» (نیروی حال، اکهارت توله، ترجمه مسیحا بزرگر، تهران، نشر ذهن آویز ۱۳۸۹ ص ۱۰۳. نقل شده از: کاوشی در معنویت‌های نوظهور، حمزه شریفی دوست، نشر صهبا یقین، ص ۲۲۷)

محمد علی طاهری می‌نویسد: خداوند به ابلیس مأموریت داد که به فرمان سجده بر آدم اعتنا نکند و او نیز این مأموریت را پذیرفت! (کتاب انسان و





معرفت محمد علی طاهری، چاپ ارمنستان، ۱۳۸۹، ص ۲۱۸ نقل شده از «کاوشی در معنویت های نوظهور» حمزه شریفی دوست).

این در حالی است که شیطان از منظر قرآن کریم نماد استکبار، کافر و طغیان گر است:

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ (بقره، ۳۴)

و (یاد) کن هنگامی را که به فرشتگان گفتیم: «برای آدم سجده و خضوع کنید» همگی سجده کردند؛ جز ابلیس که سر باز زد و تکبر ورزید و (به خاطر تکبر و نافرمانی) از کافران شد.

### دین ستیزی و تقدس زدایی از مساجد و اماکن مقدس ادیان!

عرفان های جدید، اماکن پذیرفته شده در ادیان، مانند مسجد، حسینیه، معبد و کلیسا را مردود اعلام کرده اند و هر کدام، مکانی مقدس برای عبادت ابداع نموده است! قابل توجه است که پاره ای از فرقه ها در میان مسلمانان نیز با مسجد و حسینیه میانه ای ندارند و خانقاه را برگزیده اند!

در معنویت های جدید، دین و مذهب، جایگاهی ندارد. رهبران معنویت های نوین، احکام عبادی، مناسک و عبادات رایج در ادیان را محکوم می کنند و از طرف دیگر، خود عبادت های جدید و مناسکی ویژه با آداب خاص، به پیروان خویش آموزش می دهند! (کاوشی در معنویت های نوظهور، حمزه شریفی دوست، صبه های یقین، ص ۲۴)

### مدیتیشن به جای دعا و نیایش!

هربرت بنسن معتقد است در هر مذهب، دعاها و ندبه های متعددی برای رسیدن به آرامش وجود دارد؛ پس به شما توصیه می شود که برای رسیدن به آرامش، ذکرهای دیگری را به کار ببرید که در استفاده از آن ها راحت تر هستید! (آرامش بی کران، هربرت بنسن، ترجمه رضا جمالیان، نسل نواندیش، چاپ پنجم ۱۳۸۶ ص ۱۸۵)

وین دایر «مدیتیشن» را گفتگوی با خدا معرفی می کند و می گوید: اگر می خواهید به تمرین «مدیتیشن» بپردازید، آن را با تمام معنی انجام دهید و سعادت و خوشی را در خلوت این عمل ببینید و اگر بخواهید، می توانید نام دعا بر آن بگذارید و آن را به عنوان گفت و گو با خداوند تلقی کنید! (خود حقیقی شما، وین دایر، ترجمه خدیجه مهری بیجاری، تهران، ثمین، ۱۳۸۲، ص ۲۵۹ نقل شده از : کاوشی در

معنویت های نوظهور، حمزه شریفی دوست)

کابالیسم (عرفان یهود) «مدیتیشن» را راهی برای رسیدن به قلّه عرفان و معنویت می داند! مدیتیشن بخشی از آموزه های «یوگا» است که در کشور هند سابقه ای بسیار طولانی دارد اما در کشور ما به عنوان «معنویت نوین» مطرح است. اکنون کابالیسم مدرن فرزندان «فیلیپ اس. برگ» در آمریکا پرچمدار ترویج «مدیتیشن» هستند!

ابوالعباس کابالیسم معروف یهودی می گوید: برای رسیدن به قلّه های معرفت، تنها راهی که در برابر بشریت نهاده شده، انجام مدی تیشن است! (آرامش بی کران، هربرت بنسن، ترجمه رضا جمالیان، نسل نواندیش، چاپ پنجم ۱۳۸۶ ص ۱۱۴)

### ترویج «عرفان ایرانی» به جای «عرفان ناب اسلامی»!

محمد علی طاهری (تئوری پرداز عرفان حلقه) در این باره می گوید: یکی از رسالت های ما «اعتلای عرفان ایران» است! (انسان از منظری دیگر، محمد علی طاهری، نشر بیژن، تهران، چاپ هشتم ۱۳۸۸، ص ۵۱)

در مباحث تکنولوژی فکر آزمندیان نیز عرفان مدرن تبلیغ و ترویج می شود. وی می گوید: «این مباحث نوین [قانون جذب و تکنولوژی فکر] که به گونه ای عرفان مدرن است و در واقع آمیزه ای از علم و تکنولوژی و مباحث اعتقادی و عرفانی است!» (تکنولوژی فکر ۲ ص ۱۱)

### ستم پذیری = تهذیب نفس! استکبار ستیزی و صهیونیسم ستیزی تعطیل!

کلیدی ترین نکته در باب عرفان های نوپدید این است که این جنبش های معنوی نیامده اند به داد فطرت حقیقت خواهی و خداتلبی انسان ها برسند و کام تشنه آدمیان را سیراب کنند بلکه آمده اند تا بشر خسته از زندگی ماشینی را آرام سازند و برای لحظاتی او را تسکین دهند! آمده اند انسان مدرن را با فرهنگ و تمدن جدید غرب، سازگار کنند و تحمل افراد را با وضع موجود جامعه غرب، بالا ببرند!

عرفان های کاذب، بسیاری از ارزش های انسانی را برای تحصیل آرامش، به قربانگاه می برند؛ به گونه ای که گاهی ستم نه تنها قبحی ندارد بلکه ستم پذیری فضیلت محسوب می شود. فالون دافا می گوید: تلاش برای نجات مظلوم، خیانت به اوست زیرا مانع تزکیه او می شود و اصلا اگر به کسی ظلم شود، او در حال تهذیب نفس به سر می برد! (کاوشی در

### سخن آخر

از امام صادق علیه‌السلام پرسیدند: جوان شیعه‌ای در آب افتاده و دارد غرق می‌شود و در همین هنگام جوان دیگری از محبین شما دارد دچار انحراف اعتقادی می‌شود، کدام‌یک را دریابیم؟ با توجه به آن که زمان زیادی برای نجات آن دو وجود نداشته حضرت در پاسخ فرمودند: کسی که با ایمان به ولایت ما از دنیا می‌رود روحش به سوی بهشت پُر می‌کشد، آن را دریابید که زندگی ابدی را از دست می‌دهد. با این مقدمه پاسخ دهید اگر ویروسی در جامعه پراکنده شود و سلامتی افراد جامعه را به خطر بیندازد، مسؤولان و دلسوزان چه می‌کنند؟! اکنون که ویروس شبهات اعتقادی بنیان اخلاقی-معنوی این نسل را هدف قرار داده وظیفه ما چیست؟!

اکنون دشمنان اسلام و قرآن با ابزاری مانند شبکه‌های اجتماعی وایبر، واتساپ، وی‌چت و تلگرام معنویت‌های قلابی را جایگزین معنویت ناب اسلامی یعنی جایگزین معارف ناب اهل‌بیت علیهم‌السلام می‌کنند؛ بایستی هرچه سریع‌تر فکری کرد!

در پایان سخن تاملی می‌کنیم در بیانات امام خامنه‌ای عزیز درباره آسیبی که از سوی عرفان‌های کاذب بر باورهای اعتقادی جوانان وارد می‌شود. ایشان فرموده‌اند:

«برای این که ایمان مردم را به اسلام و مقدسات اسلامی کم کنند، در داخل کشور، از طرق مختلف، پایه‌های ایمان مردم، بخصوص نسل جوان را متزلزل کنند؛ از اشاعه بی‌بندوباری و اباحیگری، تا ترویج عرفان‌های کاذب-جنس بدلی عرفان حقیقی- تا ترویج بهائیت، تا ترویج شبکه کلیساهای خانگی؛ این‌ها کارهایی است که امروز با مطالعه و تدبیر و پیش‌بینی دشمنان اسلام دارد انجام می‌گیرد؛ هدفش هم این است که دین را در جامعه ضعیف کند.» (در اجتماع بزرگ مردم قم ۱۱ ذی‌قعدة ۱۴۳۱ WWW.khamenei.ir)

«... البته این‌ها عرفان نیستند و واژه عرفان برای آن‌ها به سرقت رفته است. در واقع معنی عرفان به لحاظ ماهوی ترور شده است. خیلی از این جریان‌ها و جنبش‌هایی که هیچ سختی با عرفان ندارند، متأسفانه موسوم و موصوف به عرفان شده است.» (در دیدار اعضای ستاد برگزاری کنگره بزرگداشت فقیه متاله سید علی قاضی، ۱۳۹۱/۴/۲۶، WWW.khamenei.ir)

«در محیط‌های جوان، مراقب این عرفان‌های کاذب هم باشید؛ این‌ها هم بخصوص در دانشگاه‌ها رخنه می‌کنند. یکی از برنامه‌ها این است که عرفان‌های کاذب را در داخل دانشگاه‌ها رخنه دهند؛ این هم یکی از آن چیزهای فلج‌کننده است. اگر کسی اسیر و دچار این بافته‌های بی‌اصل و اساس عرفان‌های کاذب شود - که غالباً هم از مناطق خارج از کشور نفوذ پیدا کرده و وارد شده است - واقعاً او را فلج می‌کند. معیاری که ما برای تحرک به سمت علو معنوی و روحی و تقرب به خدا داریم، تقواست، پرهیزگاری است، پاکدامنی است. جوانان ما-چه دختران ما، چه پسران ما- اگر پاکدامن باشند، اگر تقوا پیشه کنند، اگر برای دوری از گناه تلاش کنند، اگر نماز را با توجه و با اتمام به‌جا بیاورند و انسشان را با قرآن قطع نکنند، اسیر این عرفان‌های کاذب نمی‌شوند. من به جوان‌ها غالباً در مورد قرآن سفارش می‌کنم. سعی کنید رابطه‌تان را با قرآن قطع نکنید. هر روز، ولو نصف صفحه، قرآن بخوانید...» (در دیدار معلمان و اساتید دانشگاه‌های خراسان شمالی، مصالای امام خمینی، بجنورد WWW.khamenei.ir)

معنویت‌های نوظهور، حمزه شریفی دوست، صهبا یقین، ص ۱۹) وین دایر می‌گوید: «تصمیم جدی بگیری تا زندگی را با تفکر مثبت اداره کنی نه تفکرات منفی و مخرب. اگر علیه تروریسم و جنگ‌طلبی هستی، شما خود جزیی از آن خواهید شد و خود سربازی به شمار می‌آید که برای اعتقادات خود می‌ستیزد... به جای آن که علیه تروریسم و جنگ مبارزه کنید، طرفدار صلح باشید... شما مبدل به انسان صلح‌طلب و حافظ صلح و آرامش خواهید شد!» (عرفان داروی دردهای بی‌درمان، وین دایر، ترجمه محمد حسین نعیمی، نشر کتاب آئین، چاپ دوم، ۱۳۸۵ ص ۲۲۷)

در فرایند تکنولوژی فکر استکبار‌گریزی و دلت‌پذیری موج می‌زند. آزمندیان می‌گویند: اگر کسی به جای چنین تصویر زیبایی [تصویر گل زیبا] تصویر بی‌ارزشی از یک انسان بی‌گناه که در بوسنی توسط «صرب‌ها» کشته شده ببیند، این تصویر نه تنها برای همیشه در صحنه ضمیر ناخودآگاه او بایگانی می‌شود بلکه در همان لحظه پردازش شده و این باور را در انسان ایجاد می‌کند که چقدر زندگی زشت و ناخوشایند است، چقدر انسان‌ها ستمکارند. چرا یکدیگر را می‌کشند. چقدر بیرحم هستند و اصلاً چقدر زندگی بی‌ارزش و بی‌حاصل است! (تکنولوژی فکر «چگونه راه سعادت را یافتیم»، علیرضا آزمندیان، ناشر: مؤلف، چاپ ۲۹، آبان ۱۳۸۸ ص ۸۶)

پیامبر(ص) فرمودند: کسی که به امور مسلمانان بی‌اعتنا باشد مسلمان نیست. همچنین کسی که صدای مظلومی را بشنود که فریاد برآورد ای مسلمانان کمکم کنید و اجابت نکند مسلمان نیست. مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأَمْرِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنْهُمْ وَ مَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُنَادِي يَا لَلْمُسْلِمِينَ، فَلَمْ يَجِبْهُ، فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ. (اصول کافی، کلینی، محمد بن یعقوب، محقق یا مصحح: دارالحدیث، دوره ۱۵ جلدی، نشر: دارالحدیث، قم، ۱۴۲۹ قمری، چاپ اول، ص ۴۱۹)

در عرفان‌های سکولار، پیروان تکنولوژی فکر، اجازه دیدن و شنیدن جنایت جنایت‌کاران و ریخته‌شدن خون بی‌گناهان را ندارند! استکبار‌ستیزی هیچ‌گونه جایگاهی در قاموس تکنولوژی فکر ندارد!

ما در عرفان‌های کاذب با ادعاهای صلح‌طلبی «دالایی لاما» و دریافت جایزه صلح نوبل روبرو می‌شویم! «دالایی لاما» در سال ۱۹۹۸ برنده جایزه صلح نوبل شد! تاکنون افرادی همچون انورسادات، جیمی کارتر، میخائیل گورباچف و جنایت‌کاران رژیم صهیونیستی مانند «شیمون پرز»، «اسحاق رابین» در میان دریافت‌کنندگان صلح نوبل یافت شده‌اند!

ادعای صلح طلبی «دالایی لاما» به گونه‌ای افراط‌گرایانه است که وی با اعدام «صدام» مخالفت کرد! «صدام» فردی متجاوز بود و در طول دو دهه به صدها هزار انسان بی‌گناه، رحم نکرد! (کاوشی در معنویت‌های نوظهور، حمزه شریفی دوست، صهبا یقین، چاپ اول ۱۳۹۱، ص ۴۲۸)

رهبران ادیان، اکنون خود را جانشینان پیامبران و ادامه‌دهندگان راه پیامبران می‌دانند! هدف ادیان چه بوده است؟ پیامبران چه پیامی را ابلاغ کرده‌اند؟ آیا دنبال دعوت به صلح جهانی نبوده‌اند؟

صلح باید برخاسته از ایمان و اندیشه باشد. انبیا کوشیده‌اند این حقیقت را واقعیت ببخشند. محیط سکوت ناشی از زور و رعب و فریبی که کارگزاران زور و زور در بخش‌هایی از عالم پدید می‌آورند، با صلحی که مبشران راستین رستگاری، انسان‌ها را بدان فراخوانده و می‌خوانند، به کلی متفاوت و متناقض است. صلح باید بر مبنای عدالت و به دور از اغراض قدرتمندان عالم باشد. تحمیل سکوت و تسلیم، بر مردمی که به دفاع از حق پایمال شده خود برخاسته‌اند، آن صلحی نیست که پیام‌آوران صلح آسمانی به آن دعوت کرده‌اند! (به سوی یک دین جهانی، حمیدرضا مظاهری‌سیف، صهبا یقین)